محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

به عنوان حامی حاکمیت یکدست، شکست آن را اعلام می‌کنم

چاره‌ای جز بازشناسی نسل جدید نداریم

برخی اظهارنظرهای آقای قالیباف نشان می‌دهد که زاویه‌هایی با آقای رئیسی پیدا کرده است

آرمان ملی: اعتماد عمومی در جامعه در مقایسه با چندی پیش یعنی زمانی که دولت حسن روحانی در راس امور بود کاهش یافته است. البته نه اینکه روحانی با آن عملکرد منجر به تورمش جایگاه خوبی در نزد مردم داشت بلکه او نیز به دلایل تصمیمات غیرمنطقی آغازگر تند شدن ریزش اعتماد عمومی در جامعه بود. اعتمادی که امروز کمتر از سابق است زیرا به هر میزان مردم به این دولت و کار درست بودن شخص رئیس جمهور باور داشته باشند اما به درستی می‌دانند که این کابینه نمی‌تواند در جهت تحقق وعده‌های ابراهیم رئیسی یعنی کاهش تورم، حل مشکلات معیشتی، ساخت ۴ میلیون مسکن و.... حرکت کند. از این منظر مردم با وجود اینکه نزدیک ۱۹ ماه از عمر دولت گذشته اعتمادشان به آینده و بهبود شرایط کاهش یافته است. «آرمان ملی» در ارتباط با اینکه دولت تا چه اندازه در این ارتباط مقصر است با محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

◀ **برخی آمارهایی را اعلام می‌کنند که با آنچه در کف جامعه دیده می‌شود، متمایز است چرا اینگونه آمار می‌دهند؟**

اخیرا به این نتیجه رسیده‌ام که یک جریان توهم‌سازی وجود دارد که با یکسری آمار و اطلاعات توهمی شرایط کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنده به‌شدت به این موضوع مشکوکم! حتی اگر نخواهیم اعلام کنیم این صحبت‌ها کار اجانب و بیگانگان است، باید گفت از داخل کسانی این آمارها و اطلاعات را اعلام می‌کنند که به‌طور یقین دشمن آقای رئیسی و دولت وی هستند. اینکه از تریبون مجلس و یا سخنرانی‌ها ادعایی‌هایی بشود که مردم دقیقا نقطه مقابل آن را درک می‌کنند و از سوی دیگر نمی‌توانیم بگوییم برخی اشتباه می‌کنند؛ ناگزیریم بپذیریم برخی دچار توهم هستند.

◀ **چرا به این سو حرکت نمی‌کنند که واقعیت‌ها را درک کنند و از واقعیت‌ها با مردم صحبت کنند؟**

به هر حال وقتی برخی دچار توهم هستند، در هر صورت هر چه وهم است را توهم می‌پندارند و چون این شرایط برای آنها ایجاد شده دیگر دلیلی وجود ندارد که آنچه مردم واقعیت می‌دانند را با مردم در میان بگذارند.

◀ **آثار این گفتار را چگونه می‌دانید؟**

افرادی که برای دولت ادراک‌سازی می‌کنند؛ چیز دیگری می‌گویند. آنها معتقدند این منتقدان دولت هستند که موضوعات را بزرگ می‌کنند و منتقدان دولت در حال تحریف دولت هستند؛ معتقدند واقعیت آن است که آمار بیکاری کاهش یافته، معتقدند واقعیت آن است که تورم پایین آمده، واقعیت آن است که سفره مردم رنگین‌تر شده است. آنها این‌ها را واقعیت می‌دانند و به دولت منتقل می‌کنند.

◀ **این مسئله تاکی ادامه دارد؟**

هر فردی یک زمانی از خواب بیدار خواهد شد. البته شاید آن زمان خیلی دیر باشد و افرادی که به ادراک‌سازی برای دولت مشغول هستند باید مورد بررسی قرار بگیرند.

◀ **مجلس چه جناب مهاجری. آیا نهادهای نظارتی مثلا مجلس که باید بر طبق قانون در مورد عملکرد دولت و وزرا نظارت داشته باشند هم دچار مشکل در درک واقعیت‌ها هستند؟**

نه مجلس در مقاطعی کاملا متوجه موضوع است. حتی برخی اظهارنظرهای آقای قالیباف نشان می‌دهد که وی نیز زاویه‌هایی با آقای رئیسی پیدا کرده است.

◀ **بعد از ۱۸ ماه واقعیت برای برخی مشخص نشده که اصولگرایان هم نمی‌توانستند حتی با یکدستی قوا مسائل را به گونه‌ای سر و سامان دهند؟**

من از جمله افرادی بودم که به‌شدت طرفدار حاکمیت یکدست بودم، فکر می‌کردم با حاکمیت یکدست شرایطی به وجود خواهد آمد که تمام نهادهای موازی دولت چه نهادهای اقتصادی، نهادهای سیاسی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی همه هماهنگ با دولت خواهند بود و کشور پیش می‌رود اما اکنون اعتراف می‌کنم که اشتباه می‌کردم. همان نهادهایی که فکر می‌کردم می‌توانند با دولت همکاری کنند، اکنون خود مدعی شده‌اند. شاید هم مدعی هستند که از دولت فعلی بسیار قوی‌ترند. طبیعی است که تلاش دارند دولت را با خود همسو کنند. این مورد خود باعث خواهد شد عملا حاکمیت یکدست شکست بخورد.

◀ **اما دولت مدعی است که کارآمد و شایسته‌سالار است. فارغ از تعریف کارآمدی و شایسته‌سالاری، وقت آن نرسیده که نوعی بازنگری در مفاهیم شکل بگیرد؟**

برخی تشخیص درستی از شرایط کشور ندارند، برای اصلاح امور هیچ راهی جز این وجود ندارد که از خارج از دولت افرادی ورود کنند. حتی به نظر من مقامات عالی کشور باید در این زمینه تصمیم بگیرند که ناکارآمدها را به نحوی اصلاح کنند.

◀ **این تغییرات در سطح کارگزاران نیاز است یا آن اندیشه و تفکری که بر مبنای آن این دولت تشکیل شده است باید اصلاح شود؟**

دولت اگر بخواهد اندیشه خود را تغییر دهد به‌طور یقین بالای ۹۰ درصد وزرای فعلی باید تغییر کنند.

◀ **دولت شعار وحدت ملی و استفاده از نیروهای مختلف را سر داد نه در این دولت بلکه در همه دولت‌ها این شعار صرفا جنبه نمایشی داشت چرا اینگونه می‌شود؟ همین دولت هم چنین شعاری را داد اما از نیروهای خود استفاده کرد!**

تنها دولت آقای هاشمی بود که از این جهت از سایر دولت‌ها فراگیرتر بود. اینکه بگوییم هیچ دولتی از همه نیروها استفاده نکرد، خیر اینگونه نبود در هر صورت در دولت آقای هاشمی مقداری از نیروهای مختلف سیاسی استفاده شد اما در مورد سایر دولت‌ها این ادعا حتی درست نیست زیرا دولت‌ها معمولا از یک تفکر خاص برآمده بودند و حاضر نبودند حتی به عنوان مشاور و منتقد از مخالفان خود استفاده کنند. به همین علت اگر مشاهده می‌کنیم که دولت‌ها نتوانستند از ظرفیت‌های عمومی جامعه استفاده کنند به دلیل آن است که فقط قصد داشتند از افراد جناح خود استفاده کنند.

> خودمان را گول نزنیم که غربی‌ها دارند القا می‌کنند خود غرب در مواجهه با این نسل از ما فشل‌تر است تا حدی در برابر این نسل بی‌دفاع‌تر از ماست که ما حداقل یک فرهنگ دینی داریم و فرهنگ ملی و بومی داریم که می‌تواند ما را از آسیب‌ها نجات دهند. غربی‌ها در این مورد نمی‌توانند خودشان را جمع کنند

◀ **بعد از اتفاقات چند ماه گذشته در جامعه شاهد بودیم این مساله از سوی کارشناسان مطرح شد که باید از فضای باثبات فعلی استفاده کرد و مشکلات را حل کرد و مطالبات را رسیدگی کرد، ادامه این مسیر پر ثبات است یا اینکه در آینده حالت شکننده چند ماه قبل را شاهد خواهیم بود.**

معتقدم اتفاقاتی که در جامعه در حال وقوع است که به مراتب از اینکه صدای مردم بلند شنیده شود، بدتر است. این اتفاق، افسردگی‌ای است که در جامعه وجود دارد و به نظر من جامعه‌ای که معترض است و سر و صدا می‌کند به مراتب کم ضررتر و کم خطرتر از جامعه‌ای است که افسرده است و حتی حال ندارد که حرف بزند حتی بی‌تاثیر می‌داند که اعتراض کند. این مورد باعث می‌شود جامعه به جامعه مرده تبدیل شود و من نسبت به این مسئله به‌شدت نگرانم.

◀ **اختلافات در بین نگاه دهه هشتادی‌ها و دولت وجود دارد. همین اختلاف با شکلی دیگر بین دولت و سایر نسل‌ها هم وجود دارد. آسیب این اختلاف چیست و چگونه می‌توان آن را رفع کرد؟**

نسل Z یا همان نسل دهه ۸۰ در همه جای دنیا وجود دارد و مطالباتی را مطرح می‌کند که با مطالبات گذشته تفاوت‌های جدی دارد. این نسل از جهات دیگری با جامعه مشکل دارند. به این علت که این نسل نه انقلاب دیده نه جنگ دیده و نه بسیاری از آنها وقایع ۸۸ را به صورت جدی لمس کردند، امروز از یک هویت کاملا متفاوت از گذشته برخوردار هستند و قابل گره زدن به نسل‌های گذشته خود نیستند. به همین علت چاره‌ای جز بازشناسی این نسل نداریم. متأسفانه هیچ علامتی از اینکه ما تلاش کنیم این نسل را شناسایی کنیم و بعد از شناسایی برای آنها برنامه‌ریزی کنیم را مشاهده نکردم.

◀ **اگر در آینده این بازشناسی نسل دهه هشتادی صورت نگیرد و مطالبات آنها مشخص نشود، چه خواهد شد؟**

هر اتفاقی بیفتد یا نیفتد، اعتراض بشود یا نشود؛ جامعه آینده با نسل دهه‌هشتادی‌ها هویت دیگری پیدا خواهد کرد که آن هویت نه پیوندی با تاریخ گذشته ایران دارد نه پیوندی با فرهنگ گذشته ایران دارد نه به خانواده وابسته است و نه به علاقه‌مندی‌های اجتماعی گرایش دارد و با شیب تندی به سمت تغییر هویت در حرکت است و این تغییر هویت هر چه باشد به نفع اجتماع و فرهنگ ایران نیست.

◀ **این نسل دست پرورده قرائت رسانه‌های غربی است یا کوتاهی‌های داخلی؟**

شما فرض را بر این بگذارید صد درصد این نسل نتیجه القائات بیگانگان است؛ خوب همین است که می‌بینید. البته خیلی ساده‌اندیشی است که فکر کنیم القائات آنها تاثیرگذار است. آنهایی هم که می‌خواهند از خارج از کشور بر روی این نسل خارج تاثیر بگذارند، خود نمی‌دانند به دنبال چه هستند. یعنی خود آنها هم دچار بحران هویت هستند. این موضوع یک موضوع کاملا جامعه شناسانه است و هم روانشناسان اجتماعی با موضوع جدیدی در آینده مواجه خواهند بود و با تحلیل زندگی جدید ایرانی مواجه هستند. فکر در این مورد و اقدام در این مورد بسیج عمومی می‌خواهد یک زمانی ما می‌گفتیم تهاجم فرهنگی در حال صورت گرفتن است و چون اسم آن را تهاجم گذاشتیم، دفاع در مورد آن صورت گرفت اما اکنون تهاجمی صورت نگرفته خود به خود در حال ایجاد تحول از درون هستیم، چیزی از بیرون القا نمی‌شود تز و آنتی‌تزی بهم خورده‌اند که سنتز درون آن تولید شده و ما این مورد را نمی‌شناسیم. افرادی که ۵۰ سال آینده را مشاهده می‌کنند با این بحران هویت مسائل جدی پیدا خواهند کرد. نسل امروز به نسل ۵ دهه گذشته از این جهت شباهت دارند که یک انسان غذا می‌خورد و نیازها و بشری دارد وگرنه به لحاظ هویت، امید و تفکر و آینده نگری هیچ شباهتی به نسل قبلی ندارد. خودمان را گول نزنیم که غربی‌ها دارند القا می‌کنند خود غرب در مواجهه با این نسل از ما فشل‌تر است تا حدی در برابر این نسل بی‌دفاع‌تر از ماست که ما حداقل یک فرهنگ دینی داریم و فرهنگ ملی و بومی داریم که می‌تواند ما را از آسیب‌ها نجات دهند. غربی‌ها در این مورد نمی‌توانند خودشان را جمع کنند.

> اینکه بگوییم هیچ دولتی از همه نیروها استفاده نکرد، خیر اینگونه نبود در هر صورت در دولت آقای هاشمی مقداری از نیروهای مختلف سیاسی استفاده شد اما در مورد سایر دولت‌ها این ادعا حتی درست نیست زیرا دولت‌ها معمولا از یک تفکر خاص برآمده بودند و حاضر نبودند حتی به عنوان مشاور و منتقد از مخالفان خود استفاده کنند

مهران کرمی در نشست رسانه‌ها و اعتراضات:

نگاه سلیقه‌ای در برخورد با خبرنگار و رسانه جواب نمی‌دهد

◀ قادری: یکی از نقاط آسیب‌پذیر نظام و جامعه، رسانه است

معمولا رسانه‌ها در هر رخدادی می‌توانند نقش‌های مختلفی از اطلاع‌رسانی درست تا خنثی بودن نسبت به یک رویداد را داشته باشند. شفقنا در سلسله نشست‌های خود با عنوان رسانه‌ها و اعتراضات به بررسی عملکرد رسانه‌ها پرداخته و ضمن آسیب‌شناسی به دنبال ارائه راهکاری منطقی و حرفه‌ای برای رسانه‌ها در بحران‌های مختلف است. مهران کرمی از مدیر مسئولان رسانه‌ای و روزنامه‌نگار پیشکسوت و محمد قادری روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای به بیان دیدگاه‌هایشان پرداختند.

◀ **در کشور ما رسانه تعیین‌کننده نیست**

کرمی به بیان ضعف‌های رسانه‌های داخلی در پوشش حوادث اخیر از منظر ارتباطی و رسانه‌ای می‌پردازد و می‌گوید: اول باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا رسانه کنشگر است یا در یک فضای کنشی ترسیم شده توسط دیگران فعالیت دارد. در کشور ما رسانه تعیین کننده نیست. بنابراین در یک فضایی است که برایش تعیین شده و این مساله به یک دوره خاص مربوط نمی‌شود بلکه می‌توانیم یک نگاه تاریخی به این مساله داشته باشیم. به این دلیل که رسانه یک امر وارداتی است و به جز در دوره‌های کوتاهی، نتوانسته تعیین کننده باشد. با این حال روح جاری همه تحولات هم رسانه است که در ایران به عنوان یک ابزار از آن استفاده می‌کنند. او ادامه می‌دهد: رسانه یک واسطه بین قدرت و جامعه است. طبیعتا رسانه وقتی می‌تواند تعیین کننده باشد که بتواند در تعامل مثبتی با این دو پدیده قرار بگیرد و یک تعامل مثبتی هم بین این دو وجه برقرار کند. در حالی که چنین عملکردی در اینجا غایب است و اگر از جامعه بپرسیم می‌گویند که رسانه دروغ می‌گوید و مخاطب عادی ما صداقت و راستی را در رسانه نمی‌بیند. قدرت سیاسی هم همین نگاه بدبینانه را از سوی دیگری به رسانه دارد و رسانه را امانتدار خوبی نمی‌بیند و بر این عقیده است که خط و خطوطش را از جای دیگری می‌گیرد. حتی در سال‌های ۵۸، ۵۹ و یا دهه ۷۰ که تیراژهای بالایی داشتیم این نگاه وجود دارد که این رسانه‌ها از بیرون خط می‌گیرند. به همین دلیل برای ارزیابی وضعیت رسانه‌ها فارغ از این دو دیدگاه نمی‌توان چیزی متصور شد. قادری هم در ادامه صحبت‌های کرمی در بیان ارزیابی خود از ضعف‌های رسانه‌های داخلی در پوشش حوادث اخیر می‌گوید: طبیعتا در تحولات اخیرِ کشور، کاملاً مشخص شد که یکی از نقاط آسیب پذیر نظام و جامعه ما، رسانه است. به این معنا که هنوز ابعاد و کار ویژه‌های رسانه را درست درک نکردیم و چون درست درک نشده، طبیعتا نسخه دقیقی برای آن نمی‌پیچیم. جنگ ادراکی، جنگ شناختی، عملیات روانی، جنگ روانی و... موضوعاتی هستند که ابزارشان رسانه است ولی اینکه رسانه چه ابعاد و مولفه‌هایی پیدا کرده، نیاز به بحث دارد. ما شناخت درستی از موج کنونی رسانه در دنیا و کشورمان نداریم. به این معنا اگر یک نگاه تاریخی به این مساله داشته باشیم که رسانه از کجا و چگونه شکل گرفت، در چه قالب‌هایی تطور پیدا کرد و تکمیل شد تا به وضع موجود رسید، طبیعتا به این می‌رسیم تا وقتی حاکمیت و مردم به این نکته پی نبرند که دوران رسانه‌های کلاسیک، سنتی و عمومی گذشته است و درک درستی از پدیده انسان و رسانه نداشته باشند، نمی‌توانیم برای موضوعات، اتفاقات و تحولاتی که در هر جامعه به ویژه ایرانی رخ می‌دهد و مشخصا تحت تاثیر فضای شبکه‌ای است، نسخه دقیقی بپیچید یا فضا را کنترل و مدیریت کرد و یا سوار بر این موج شد تا حداقل از آسیب‌های پیش روی حکمرانی نظام و حکومت پیشگیری کرد.

کرمی: در کشور ما رسانه تعیین کننده نیست. بنابراین در یک فضایی است که برایش تعیین شده و این مساله به یک دوره خاص مربوط نمی‌شود بلکه می‌توانیم یک نگاه تاریخی به این مساله داشته باشیم. به این دلیل که رسانه یک امر وارداتی است و به جز در دوره‌های کوتاهی، نتوانسته تعیین کننده باشد

◀ **آزادی بیان را فراهم کنید، ببینید خبرنگاران ما ضعف دارند یا خیر**

کرمی با اشاره به دلایل شکست جریان‌سازی رسانه می‌گوید: در این قضیه دو نکته وجود دارد اول رسانه‌های وابسته به حاکمیت و دولت، دوم رسانه‌های بخش خصوصی و مستقل. ما هرقدر به جلو حرکت می‌کنیم بخش خصوصی کارکرد و حضور خود را از دست می‌دهد و کمرنگ‌تر می‌شود. یک زمانی رسانه‌های سطح اول ما بخش خصوصی بودند ولی روز به روز ضعیف‌تر شد. علاوه بر آن بخش دولتی هر زمانی تابع دگرگونی قدرت است به عنوان مثال روزنامه ایران و یا همشهری با تغییر دولت‌ها تحت تاثیر رویکرد دولت وقت و وابسته به آن قرار می‌گیرند. این در حالی است که یک رسانه باید مخاطب ثابت خود را پیدا کند. وقتی این دگرگونی در دید سیاسی و سیاست‌گذاری در رسانه پیدا می‌شود، رسانه یکسری مخاطب را از دست می‌دهد و ممکن است مخاطب جدیدی هم پیدا نکند. بنابراین بخش دولتی ما هم آسیب دیده است. او با اشاره به مشکل عکاسان خبری برای پوشش از رویدادهای خیابانی می‌گوید: در این چند ماه اخیر اگر توجه کرده باشید ما با پدیده‌ای با عنوان عکس خبری مواجه هستیم. کدام عکاس یا خبرنگار می‌تواند در سطح جامعه (میدان و خیابان) به صورت عادی عکاسی یا خبرنگاری کند؟ اگر شما خبرنگار یا عکاس را به عنوان کسی بشناسید که به رسالت خبری‌اش عمل می‌کند یک نوع برخورد می‌کنید و اگر نگاه بدبینانه داشته باشید به نحو دیگری برخورد می‌کنید. بنابراین شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید تا از رسانه درک مستقیم و عینی داشته باشید. همین می‌شود که این رسانه‌ها کارکردشان را از دست می‌دهند و ما به سمت رسانه‌هایی می‌رویم که جزئی‌تر، موردی‌تر و آماتورتر هستند و کسانی خط مشی تعیین می‌کنند که نگاه حرفه‌ای به این قضیه ندارند. شهروند خبرنگار در این رسانه‌ها یک روند طبیعی است که در کیفیت تصویر و کیفیت ارائه خبر تأثیر می‌گذارد. وقتی از این کارکرد تهی باشید نمی‌توانید مخاطب خود را جذب کنید به همین دلیل معتقدم تضعیف عملکرد صورت گرفته است. به عقیده من مرجعیت اصلی تولید خبر همچنان در داخل است ولی مرجعیت انتشار آن به خارج از کشور منتقل شده. قادری هم در بیان دلایل شکست جریان سازی رسانه می‌گوید: در تکمیل صحبت‌های آقای کرمی باید بگویم ما ضعفی روشن و مشخص در رسانه‌های داخلی خود با عنوان «عدم مهارت در تولید محتوا» داریم. می‌توانیم این عدم مهارت را بخش بندی کنیم و دلایلی برای آن به‌شماریم و ببینیم چرا این توانمندی وجود ندارد؟ طبیعتا این توانمندی در قیاس با جریانی هست که ما معتقدیم از آن ضربه خوردیم و در یک تقابلی قرار داریم که طرف مقابل در یکسری مولفه‌ها زور بیشتری دارد. ناگفته نماند که شاید ما هم در یکسری مولفه‌ها دستمان بالاتر باشد. جمع ماجرا نشان می‌دهد که ما ضربه پذیرتر شدیم و روایت غالب را از دست دادیم. کلیدی‌ترین مساله این است که ما در رسانه‌های داخلی‌مان به هر دلیلی در مهارت تولید محتوا ضعف داریم. این ضعف هم در فرم و شکل و هم در جنس محتوا و متن تبلور پیدا می‌کند. کرمی در بخش دیگری تاکید کرد: شما آزادی بیان و آزادی پس از بیان را فراهم کنید، ببینید خبرنگاران ما ضعف دارند یا خیر. اگرچه خیلی از استعدادهای ما رفته‌اند ولی استعدادهای دیگری هم شکل گرفته‌اند. با این حال به دلایل امنیتی و اقتصادی پایین این حوزه کمتر خبرنگاران توانمند در این حرفه باقی می‌مانند. اگر هم مهارتی دارند در حوزه‌های دیگر مثل روابط عمومی استفاده می‌کنند. همه این موارد وجود دارد ولی معلول علت دیگری است که من آن را ایجاد فضای رسانه‌ای که مستلزم آزادی بیان، آزادی پس از بیان و در عین حال اقتصادی بودن این شغل روزنامه‌نگاری می‌بینم. کرمی توضیح می‌دهد: ما باید بررسی کنیم که نیازمند رسانه هستیم یا نه؟ اگر نیاز داریم، الزامات آن چیست؟ جنس کار رسانه، فرهنگی و هنری است و امنیتی نیست. اگر قواعد امنیتی بر آن حاکم شود به نتایجی می‌رسیم که حتی خلاف آن نگاه امنیتی است که به آن نگاه می‌کنیم. یعنی می‌گوییم از بعد امنیتی این خبر نباید منتشر شود یا اینکه صلاح نیست رسانه چنین رویکردی داشته باشد ولی از رسانه انتظار مرجعیت خبری داریم. من هم معتقدم رسانه حتما باید در چارچوب قانون عمل کند، اما باید در چارچوب همان قانون هم با آنها برخورد شود. او ادامه می‌دهد: در برخورد با خبرنگار و رسانه نباید نگاه سلیقه‌ای داشته باشیم، چراکه تبعات خطرناکی از جمله خودسانسوری دارد. از طرفی دیگر نگاه امنیتی داشتن هم به رسانه آسیب زاست. اگر به این درک برسیم که هر نهادی کارکرد خود را انجام دهد زودتر به نفع عمومی می‌رسیم.

قادری: طبیعتا در تحولات اخیرِ کشور، کاملاً مشخص شد که یکی از نقاط آسیب پذیر نظام و جامعه ما، رسانه است. به این معنا که هنوز ابعاد و کار ویژه‌های رسانه را درست درک نکردیم و چون درست درک نشده، طبیعتا نسخه دقیقی برای آن نمی‌پیچیم

یادداشت

صیانت در برزخ تصمیم‌گیری

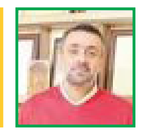

علی کاظمی مقدم

کارشناس امور دانش‌بنیان

طرح صیانت طرحی است که همچنان در برزخ تصمیم‌گیری است و هنوز مشخص نیست چه زمانی به مرحله اجرایی می‌رسد اما طبق اطلاعات منتشر شده درباره این طرح، در صورت همکاری نکردن پلتفرم‌های خارجی، محدودیت استفاده از آنها برای کاربران ایرانی ادامه خواهد داشت. تاثیر اجرای این طرح بیش از هر قشری، برای کسب‌وکارهای اینستاگرامی نمایان است و بر فعالیت افراد عادی که روزانه از فضای مجازی استفاده می‌کنند، تاثیر جدی نخواهد داشت. برای اجرایی شدن این طرح، ابتدا باید بستری جایگزین در راستای عرضه کالا در فضای مجازی ایجاد شود و مردم هم از آن استقبال کنند که این مرحله یعنی جلب اعتماد مردم، مهم‌تر از ایجاد بستری جدید برای کسب‌وکارهای مجازی است، چراکه تاکنون تجربه نشان داده، مردم از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی داخلی استقبال چندانی نکرده‌اند. البته برخی نیز با این گزاره مخالف هستند چراکه در چند سال اخیر اپلیکیشن‌های داخلی متعددی وجود داشته که مورداستفاده گسترده عموم مردم قرار گرفته‌اند. مانند اپ‌هایی که در نظرسنجی برنامه‌های صداوسیما معرفی شده و مردم هم از آن استفاده کرده‌اند. بنابراین، در حوزه عمومی می‌توان اپ‌هایی را پیدا کرد که در این عرصه عملکرد موفقی داشته‌اند، اما در زمینه کسب‌وکارهای اینترنتی هنوز اپی ساخته نشده که از استقبال حداکثری مردم برخوردار باشد. دلیل اصلی که مردم از اپ‌های داخلی استفاده نمی‌کنند، نداشتن کیفیت نرم‌افزاری لازم برمی‌گردد. برای حل معضل کیفیت نرم‌افزاری می‌توان با خرید اپ از کشورهای چین و روسیه که روابط سیاسی خوبی هم با آنها حاکم است، این مشکل را برطرف کرد، اما در بحث اعتمادسازی برای مخاطبان داخلی، راهکار چندانی پیش‌رو نداریم. از این‌رو نمی‌توان آحاد مردم را در این مسیر همراه کرد. نبود اعتماد برای استفاده از اپ‌های داخلی بیشتر جنبه روانی دارد. این درحالی است که در طرح صیانت، مساله اقتصادی اهمیت بیشتری نسبت به ابعاد سیاسی دارد، اما موضع‌گیری‌ها برای حل آسیب‌های آن بیشتر جنبه روانی با گرایش‌های سیاسی دارد. در واقع، برای عملیاتی کردن طرح صیانت، ابتدا باید اعتماد مردم را به اپ‌های موردتایید جلب کرد. مشکل اصلی این است که از روز نخست ورود اپ‌های خارجی به کشور، فکر جدی برای بروز مشکلات احتمالی آنها نشد، حالا وقتی تعداد کاربران ایرانی به بیش‌ترین حد ممکن رسید؛ مسئولان به‌صرافت افتاده‌اند که چگونه مردم را به‌سمت اپ‌های مورد تایید داخلی هدایت کنند. نمونه این روند را می‌توان بعد از فیلتر شدن تلگرام دید؛ باوجود اینکه این پیام‌رسان در چند وقت گذشته فیلتر بوده، از تعداد کاربران آن کم نشده است و هنوز افرادی هستند که در آن به فعالیت می‌پردازند. اگر دولت می‌خواهد روندی نظیر طرح صیانت از فضای مجازی ایجاد کند، از بدو ورود این اپ‌ها به فضای اینترنتی باید سیاست‌های لازم را شناسایی و عملیاتی کرد، نه آنکه پس از استفاده گسترده مردم و درست زمانی که کسب‌وکارهای بسیاری بر پایه این فضا راه افتاده است، استفاده از آنها محدود شود و در نتیجه، آسیب اقتصادی چندبرابری به مردم وارد شود. نبود آینده‌نگری نسبت به فضای مجازی، موجب بروز مشکلات عدیده برای کاربران به‌ویژه فعالان اقتصادی در این فضاهاست. این روند باعث به‌وجود آمدن بحران‌ها و از بین رفتن کسب‌وکارهای افرادی است که ممکن است به ورشکستگی شدید مالی برسند. با این روند، کشور همیشه با معضل فضای مجازی و استفاده از اپ‌های خارجی مواجه است و اگر امروز فکری به حال این آشفته‌بازار نشود، ممکن است برای بستر جدید ارتباطی متاورس هم مشکلات مشابهی به‌وجود آید. در این بین توجه بیش از حد به آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای طرح صیانت به کسب‌وکارها باعث شده، فضا تیره نمایش داده شود. برای مثال، برخی صاحبان فروشگاه‌های اینترنتی مواردی علیه این طرح عنوان می‌کنند که صحت ندارند. در حالی که حتی برخی معتقدند استفاده محدود از اینستاگرام به‌نفع فروشگاه‌های مجازی است، چرا که بیشتر فروشگاه‌ها خودشان دارای اپلیکیشن هستند. با این همه صیانت از اطلاعات در فضای مجازی با توجه به توسعه تکنولوژی و اینترنت از مواردی است که باید مورد توجه همگان باشد.

نگاه

عزت‌ا... یوسفیان ملا:

هیچ بودجه‌ای در کشور نقد نیست

یک نماینده سابق مجلس درباره ارائه لایحه بودجه از سوی دولت به مجلس و این که عنوان می‌شود این لایحه بودجه کسری ندارد، گفت: هیچ بودجه‌ای در کشور نقد نیست که کسی بتواند کسری‌اش را محاسبه کند زیرا بودجه احتمال درآمد است. عزت ا... یوسفیان ملا با بیان اینکه نفت، فرآورده‌های نفتی، گاز و میعانات گازی پایه اساسی بودجه ماست، اظهار داشت: فرض کنید بگویند ما روزی ۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنیم و اگر نفت هم بشکه‌ای ۱۰۰ دلار فروخته شود و اگر دلار هم ۲۰هزار تومان باشد، هنگامی که این سه در هم ضرب شود درآمد بودجه حاصل می‌شود. بنابراین این سه مولفه باید باشد حال ممکن است به‌خاطر وجود تحریم‌ها کمتر از ۲ میلیون بشکه تولید کنیم یا اگر تحریم‌ها برداشته شود از ۲ میلیون بشکه بیشتر تولید شود این درآمد نفتی ما که در طول سال ۱۴۰۲ است که باید به دست بیاید؛ در حال حاضر این درآمد نفتی در خزانه نیست؛ این درآمد نفتی که در خزانه داریم برای سال‌های قبل و یا امسال است. ما روی بودجه سال آینده بحث می‌کنیم پس بودجه در این بخش احتمالی است. وی با بیان این که بخش دیگر بودجه سایر درآمدها است، ادامه داد: به‌طور مثال در بخش سایر درآمدها می‌گوییم یک میلیارد تومان باید در سال آینده وصول کنیم، حال اگر مثلا فلان میزان کالا از طریق گمرک وارد کشور شود ما مبالغی مالیات دریافت می‌کنیم و درآمد مستقیم داریم. بخش دیگری از مالیات‌ها هم غیرمستقیم است، قند و شکر و سایر کالاها که فروخته می‌شود بابت آنها مالیات می‌گیریم و این درآمدهای غیرمستقیم است. مالیات مستقیم آن است که به یک تاجر می‌گویند تو کاسبی و تجارت کردی باید مالیات دهی که مستقیم می‌شود.

نگره

سیگنال‌های نحس در سال ۲۰۲۳

این روزها از دشوار بودن سال ۲۰۲۳ برای جمهوری اسلامی ایران سخن به میان می‌آید. از اعتراضات چند ماه گذشته گرفته تا چالش‌های اقتصادی، بر دامنه نگرانی‌ها نسبت به آینده افزوده است. حالا بحث افزایش فشارهای خارجی علیه ایران در سال جدید میلادی نیز مطرح است. پرسش قابل طرح این است که چه رخدادها یا عواملی موجب شده که این تهدیدات برای افکار عمومی باورپذیر شود؟ چندین سیگنال را در این خصوص می‌توان بررسی کرد.

◀ **گزاره دوگانه تعامل با ایران یا تقابل**

در سال جدید میلادی تقابل با ایران محتمل خواهد بود. جهان در مواجهه با تهران در مسیری بدون برگشت قرار گرفته است. این‌ها گزاره‌هایی هستند که به شکل بی‌سابقه از سوی رسانه‌ها، محققان و نهادهای تحقیقاتی غربی، به عنوان یکی از رخدادهای مهم سال ۲۰۲۳ مطرح می‌شود. این پیش‌بینی یا به عبارت دیگر، فضاسازی رسانه‌ای پیرامون ایران، سیگنال خطرناکی است که به‌طور مداوم برای آن کدسازی صورت می‌گیرد.

◀ **همکاری نظامی با روسیه**

طی نیم سال گذشته، در سطحی گسترده و دومینوار، اتهاماتی از همکاری‌های نظامی ایران با روسیه منتشر می‌شود. رسانه‌ها و سیاستمداران غربی، اتهام تداوم ارسال پهپادهای ایرانی به روسیه را به رویه‌ای ثابت تبدیل کرده‌اند. اخیرا نیز بحث فروش جنگنده‌های چندمنظوره «سوخو ۳۵» از سوی روسیه به ایران و احتمال صادرات موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد ایران به روسیه، به صورت گسترده بازتاب داده می‌شود. اساس سیگنال اخیر این است که تا بالاترین حد ممکن، ایران به عنوان شریک نظامی حمله روسیه به اوکراین معرفی شود. به نظر می‌رسد این سیگنال بیشتر در راستای افزایش فشارها علیه تهران قبل از پایان تحریم‌های تسلیحاتی ایران در اکتبر ۲۰۲۳ (سه ماه دیگر) است. چنین فضاسازی بی‌سابقه‌ای به هیچ عنوان نمی‌تواند موضوعی عادی و طبیعی باشد. جنگ اوکراین مهم‌ترین مساله غرب طی سال‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم است. وارد کردن ایران به میانه چنین جنگی، به معنای تقابل مستقیم ایران با غرب خواهد بود.

◀ **تمرکز رسانه‌ای بر وضعیت حقوق بشر**

وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان، از دیرهنگام یکی از ابزارهای فشار آمریکا و اروپا بوده است. این ابزار به‌طور مداوم از سوی غربی‌ها برای اعمال فشار بر بازیگران معارض مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ گاهی با دوز بالا و گاهی با دوز پایین. در وضعیت جاری مساله مهم، تمرکز عمیق و گسترده جامعه غربی بر موضوع حقوق‌بشر در ایران در رابطه با ناآرامی‌های چند ماه گذشته است. شاید چنین پنداشته شود که موج انتقادات و تبلیغات غربی‌ها در این رابطه امری عادی باشد، اما با کمی بررسی می‌توان دریافت که حجم فعلی تبلیغات در این زمینه نه عادی است و نه بدون هدف.

◀ **بزرگنمایی رسانه‌ای از تهدیدات اتمی ایران**

همزمان با بازگشت بنیامین نتانیاهو به قدرت، موج خبرسازی درباره بالا بودن تهدیدات اتمی ایران به شکلی هدفمند افزایش پیدا کرده است. علاوه بر رسانه‌های اسرائیلی، بخشی بزرگ از روزنامه‌های معتبر بین‌المللی در آمریکا و اروپا در یک اتحاد نانوشته، از امکان دست‌یابی تهران به بمب اتمی سخن می‌گویند.

◀ **تغییر رویه سیاست خاورمیانه‌ای چین**

همراهی پکن با مواضع ضدایرانی کشورهای عربی، در ماجرای سفر «شی جین پینگ» به عربستان سعودی، دیگر سیگنال قابل رجوع و جدی برای ایران در سال ۲۰۲۳ است. طی سال‌های گذشته سیاست خاورمیانه‌ای چینی‌ها بر مدار بی‌طرفی هوشمندانه و مواضع دو قطب عربی-ایرانی طرح‌ریزی شده بود، اما مواضع اخیر پکن نشان داد که تغییراتی عمیق در راهبرد سیاست خارجی این کشور نسبت به تهران صورت گرفته است. استدلال این نیست که سیاست خاورمیانه‌ای چین در مسیر ضدیت با تهران قرار گرفته بلکه پیام مهم تغییر رویه سیاست خارجی پکن نسبت به بازخوانی جایگاه ایران در منطقه است.

◀ **تعلل‌های آژانس**

مقام‌های سیاسی آمریکایی نیز در چند وقت اخیر انگار در موضوع احیای برجام سرناسازگاری پیشه کرده‌اند. رویکرد فعلی، در شرایطی اتخاذ شده که در تابستان سال جاری، این غربی‌ها بودند که بر احیای توافق اصرار می‌ورزیدند. این دگردیسی نیز نکته قابل تاملی است که شاید در آینده چرایی آن اهمیت بیشتری پیدا کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طی سال‌های اخیر، همواره در مقام بازیگری موازنه‌ساز در پرونده هسته‌ای ایران ایفای نقش کرده است. هر چند در مقاطعی ایراداتی بر سیاسی بودن مواضع این سازمان وارد شده، اما در مجموع نقش این نهاد را می‌توان ایجابی مورد ارزیابی قرار داد. قرار بر آن بود که در روزهای ابتدای سال جدید میلادی (۲۰۲۳) رافائل گروسی، مدیر کل آژانس، به منظور گشودن دریچه‌ای جدید برای احیای برجام به تهران سفر کند. حالا زمان به اواخر ماه ژانویه رسیده و خبری از سفر گروسی به ایران نیست. این خود دیگر سیگنال قابل توجهی است که تحلیل محتوای آن ضروری به نظر می‌رسد.

◀ **اقتصاد در مضیقه**

تردیدی وجود ندارد که چند سیگنال ارائه شده مهم و کلیدی هستند، ولی به جرات می‌توان مهم‌ترین سیگنال برای ایران ۲۰۲۳ را مشکلات اقتصادی ارزیابی کرد.

ویژه

واکنش غریب‌آبادی به هتک حرمت قرآن

دبیر ستاد حقوق بشر کشورمان به سکوت مدعیان حقوق بشر در برابر هتک حرمت قرآن کریم و توهین به مقدسات مسلمانان واکنش نشان داد. کاظم غریب‌آبادی، با انتشار پیامی در توییتر نوشت: سکوت کر کننده به اصطلاح مدعیان حقوق بشر در برابر هتک حرمت قرآن کریم، مصداق آشکار نفرت پراکنی و گسترش خشونت علیه مسلمانان است. معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه افزود: این گونه رفتارها هیچ ارتباطی با حق آزادی عقیده و بیان ندارد.